

Islamic Knowledge and Insight

معرفت و بصیرت اسلامی

Examining the Relationship Between Risk and Resilience on Shariah Acceptance

بررسی رابطه ریسک و تاب‌آوری بر پذیرش شریعت

1. Atena Farhadi: PhD student, Department of Economic Sciences, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Amir Gholami*: Assistant Professor, Department of Economics, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Email: a_gholami@iau-tnb.ac.ir)
3. Mohammad Mahdi Ahmadi: Assistant Professor, Department of Economics, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

۱. آتنا فرهادی: دانشجوی دکتری، گروه علوم اقتصادی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. امیر غلامی: استادیار، گروه اقتصاد، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (پست الکترونیک: a_gholami@iau-tnb.ac.ir)
۳. محمد مهدی احمدی: استادیار، گروه اقتصاد، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Abstract

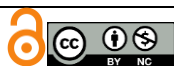
This study aims to examine the effects of corporate risk and organizational resilience on the level of Shariah acceptance among Iranian industrial and manufacturing firms. This applied, descriptive-analytical research collected data through structured questionnaires and secondary sources. The statistical population includes 66 public and private companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2001 to 2023. Risk was assessed through total and idiosyncratic risk indices, resilience via sales, cost structure, operating expenses, and stock price volatility, and Shariah acceptance through Dow Jones Islamic Market Index (DJIMI) screening criteria. Data analysis was conducted using SPSS, Minitab, and Excel. Multiple regression analysis revealed a significant positive relationship between corporate resilience and Shariah acceptance, and a significant negative relationship between corporate risk and Shariah acceptance. The model's R-squared was 0.784, and the regression correlation coefficient was 0.885. Moreover, Shariah-compliant companies demonstrated higher resilience and lower risk compared to their non-compliant counterparts, especially during economic crises. Shariah acceptance serves as a strategic factor in enhancing corporate resilience and reducing exposure to risk. The findings suggest that adherence to Islamic principles contributes to better organizational performance and greater stability in the face of economic shocks.

Keywords: Risk, Resilience, Shariah Acceptance, Islamic Compliance, Organizational Flexibility, Islamic Companies

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر دو متغیر ریسک و تاب‌آوری (انعطاف‌پذیری) بر سطح پذیرش شریعت در شرکت‌های تولیدی و صنعتی ایرانی می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است که داده‌های آن از طریق پرسشنامه و داده‌های ثانویه جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری شامل ۶۶ شرکت خصوصی و دولتی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲ است. برای سنجش متغیرها، از شاخص‌های مربوط به ریسک کلی و ویژه شرکت، شاخص‌های فروش، هزینه‌ها و قیمت سهام برای ارزیابی تاب‌آوری، و شاخص‌های داو جونز اسلامی برای پذیرش شریعت استفاده شده است. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS، Minitab و اکسل انجام شد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که بین تاب‌آوری شرکت و پذیرش شریعت رابطه مثبت و معنادار و بین ریسک شرکت و پذیرش شریعت رابطه منفی و معنادار وجود دارد. ضریب تعیین مدل برابر با ۰٫۷۸۴ و ضریب همبستگی رگرسیون ۰٫۸۸۵ به دست آمد. همچنین، مشخص شد که شرکت‌های پیرو شریعت در مقایسه با شرکت‌های غیرپیرو، انعطاف‌پذیری بیشتری داشته و با ریسک کمتری مواجه‌اند، به‌ویژه در دوره‌های بحرانی اقتصادی. پذیرش شریعت به‌عنوان یک عامل مؤثر در کاهش ریسک و افزایش تاب‌آوری سازمانی می‌تواند راهبردی مهم برای شرکت‌ها در محیط‌های اقتصادی اسلامی محسوب شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که پیروی از اصول شریعت می‌تواند موجب ارتقاء عملکرد سازمان و پایداری در برابر بحران‌های اقتصادی گردد.

کلیدواژه‌ها: ریسک، تاب‌آوری، پذیرش شریعت، شریعت‌پذیری، شرکت‌های اسلامی، انعطاف‌پذیری سازمانی



How to cite: Farhadi, A., Gholami, A., Ahmadi, M.M. (2025). Examining the Relationship Between Risk and Resilience on Shariah Acceptance. *Islamic Knowledge and Insight*, 3(2), 72-81.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 2024-12-21

Revise Date: 2025-02-08

Accept Date: 2025-03-16

Publish Date: 2025-07-05

شیوه استناددهی: فرهادی، آتنا، غلامی، امیر، احمدی، محمد مهدی. (۱۴۰۴). بررسی رابطه ریسک و تاب‌آوری بر پذیرش شریعت. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۳(۲)، ۷۲-۸۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴

مقدمه

در دنیای پرچالش اقتصاد معاصر، توجه به مفاهیمی همچون «ریسک»، «تاب‌آوری» و «پذیرش شریعت» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این مفاهیم نه تنها در شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی سازمان‌ها نقش دارند، بلکه به طور مستقیم بر استراتژی‌های مدیریت منابع و تصمیم‌گیری‌های حیاتی تأثیر می‌گذارند. ریسک، در معنای اقتصادی، به عنوان احتمال وقوع نتایج نامطلوب در فعالیت‌های مالی و اقتصادی تعریف می‌شود {Aven, 2016 #218854}، که می‌تواند منبعی از نگرانی برای سهامداران و مدیران تلقی گردد. در چنین شرایطی، مفهوم تاب‌آوری یا همان توانایی سازمان در مواجهه، تطابق و بازیابی از اختلالات محیطی، اهمیتی فزاینده می‌یابد {Mechler, 2016 #218866}.

تاب‌آوری سازمانی به عنوان یکی از شاخص‌های عملکرد پایدار در برابر شوک‌های داخلی و خارجی شناخته می‌شود. این مفهوم، از جمله در صنایع مالی اسلامی، با رویکردهایی مانند مدیریت ریسک مبتنی بر اصول اخلاقی دینی تلفیق شده است که به نوعی «پذیرش شریعت» نیز در قالب آن تبلور می‌یابد {Cheong, 2021 #218856}.

پذیرش شریعت در فضای سازمانی نه تنها محدود به اجتناب از معاملات ربوی و فعالیت‌های نامشروع اقتصادی است، بلکه مجموعه‌ای از اصول اخلاقی، عدالت‌محور و انسان‌دوستانه را نیز دربرمی‌گیرد که می‌تواند رفتارهای سازمانی را به سمت پایداری و مسئولیت‌پذیری سوق دهد {Afshar Mohammadian, 2010 #218883}.

مطالعات پیشین نشان داده‌اند که شرکت‌های پیرو شریعت، غالباً از انعطاف‌پذیری بالاتر و ریسک کمتری برخوردارند، زیرا این شرکت‌ها در چارچوب اخلاق اسلامی فعالیت می‌کنند که آن‌ها را به رعایت شفافیت، انصاف و مسئولیت‌پذیری اجتماعی موظف می‌کند {Ghira, 2021 #218865; Mohammadi Pour, 2021 #218874}.

این چارچوب اخلاقی موجب تقویت سرمایه

اجتماعی درون سازمانی و اعتماد عمومی می‌شود، که خود بستری برای تاب‌آوری بیشتر فراهم می‌سازد {Eze, 2021 #218853}.

علاوه بر این، از منظر تئوریک، پذیرش شریعت می‌تواند به عنوان یک مکانیسم محدودکننده ریسک عمل کند. برای نمونه، شرکت‌هایی که از سرمایه‌گذاری در صنایع پرریسک مانند مشروبات الکلی، قمار و دخانیات پرهیز می‌کنند، در معرض خطرات قانونی و اجتماعی کمتری قرار دارند {Faraji, 2018 #218862; Nadri, 2015 #218875}.

این پرهیز آگاهانه در تطابق با اصول شرعی، نه تنها از منظر اخلاقی قابل تحسین است، بلکه از دیدگاه اقتصادی نیز با کاهش احتمال ضررهای سنگین و دعاوی حقوقی، سودمند تلقی می‌شود.

در همین راستا، مفهوم مدیریت ریسک در ادبیات مالی اسلامی به شکلی متمایز بررسی می‌شود. برخلاف سیستم‌های مالی متعارف که به حداکثرسازی بازده بدون در نظر گرفتن ابعاد اخلاقی و اجتماعی متمایل‌اند، نظام مالی اسلامی به دنبال توازن میان سودآوری، ثبات، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است {Doumpos, 2017 #218886}.

به همین دلیل است که برخی مطالعات معتقدند پذیرش شریعت، می‌تواند خود به عنوان عاملی تقویت‌کننده تاب‌آوری سازمانی عمل کند {Khordyar, 2019 #218885; Saeidi, 2022 #218869}.

از سوی دیگر، با توجه به پیچیدگی و پویایی محیط اقتصادی جهانی، شرکت‌ها با تهدیدهای فزاینده‌ای روبرو هستند که تاب‌آوری آن‌ها را به چالش می‌کشد. شوک‌هایی نظیر بحران‌های مالی، بیماری‌های همه‌گیر، نوسانات شدید بازار و تغییرات اقلیمی، ضرورت ارزیابی دقیق ظرفیت‌های تاب‌آورانه را بیش از پیش نمایان می‌سازد {Caruso, 2019 #218855; Rahmani, 2021 #218882}.

مطالعات متعدد نیز تأیید کرده‌اند که شرکت‌های دارای تاب‌آوری بالا در برابر این شوک‌ها عملکرد بهتری نشان می‌دهند و حتی در برخی موارد، موفق به بهره‌برداری از فرصت‌های ناشی از بحران نیز

می‌شوند { Pakravan, 2017 #218879; Mashamba, 2019 #218872 }.

این پژوهش در پی آن است تا در یک مدل تحلیلی، اثر ریسک و تاب‌آوری را بر میزان پذیرش شریعت در شرکت‌های تولیدی و صنعتی ایرانی بررسی کند. استفاده از مدل‌های آماری چندمتغیره به ما این امکان را می‌دهد که تأثیر این عوامل را به‌طور همزمان و با کنترل متغیرهای مداخله‌گر، تحلیل کنیم. مطالعات مشابه در کشورهای اسلامی مانند مالزی، اندونزی و پاکستان نیز به نتایج مشابهی رسیده‌اند که حاکی از ارتباط مثبت میان اصول اخلاقی شرعی و عملکرد سازمانی مطلوب است { Cheong, 2020 #218888; Zanganeh, 2017 #218857 }.

از منظر فرهنگی، نیز نمی‌توان تأثیر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی بر رفتارهای سازمانی را نادیده گرفت. در جوامعی که پیروی از شریعت نه تنها یک الزام دینی، بلکه نوعی پرستیژ اجتماعی محسوب می‌شود، سازمان‌ها نیز تمایل دارند تا رفتار خود را با این ارزش‌ها همسو کنند تا اعتماد و مشروعیت اجتماعی خود را حفظ نمایند { Fox, 1999 #218861; Falkheimer, 2018 #218863 }.

در نهایت، این مقاله با تکیه بر نتایج تحلیل آماری حاصل از داده‌های اقتصادی ۶۶ شرکت صنعتی و تولیدی ایرانی در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲، می‌کوشد تا هم‌راستایی یا تعارض میان سه مؤلفه ریسک، تاب‌آوری و پذیرش شریعت را در بافت اقتصاد اسلامی ایران مورد واکاوی قرار دهد.

روش‌شناسی

در این مطالعه از روش تحقیق آماری-تحلیلی استفاده شده و پژوهش از نظر هدف، در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲ می‌باشد. برای انتخاب نمونه‌ها، ۶۶ شرکت تولیدی و صنعتی فعال در بورس، از جمله شرکت‌های معتبر و شناخته‌شده‌ای چون ایران‌خودرو دیزل، شرکت داروسازی اسوه، و سایر بنگاه‌های خصوصی و دولتی، مورد بررسی قرار

گرفته‌اند. انتخاب شرکت‌ها به صورت هدفمند و بر اساس دسترسی به داده‌های اقتصادی دقیق و سوابق عملکردی قابل ارزیابی انجام شده است. اطلاعات موردنیاز از طریق پرسشنامه و مصاحبه با کارشناسان ارشد مالی و اقتصادی این شرکت‌ها گردآوری شده است. همچنین داده‌های آماری عملکردی این شرکت‌ها از صورت‌های مالی و منابع رسمی اقتصادی استخراج شده‌اند.

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق شامل یک پرسشنامه ساختاریافته و داده‌های ثانویه از اسناد مالی شرکت‌ها بوده است. پرسشنامه تهیه‌شده دارای سه محور اصلی بوده است: محور اول مربوط به متغیر ریسک شرکت است که در آن مؤلفه‌هایی نظیر نوسانات نقدینگی، بدهی‌ها، هزینه سرمایه، عدم قطعیت بازار و عدم ثبات قوانین اقتصادی بررسی شده‌اند. محور دوم به سنجش تاب‌آوری یا انعطاف‌پذیری شرکت اختصاص دارد که شامل توانایی شرکت در انطباق با بحران‌های مالی، مدیریت بحران، بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی و حفظ ثبات عملکرد در شرایط نامطلوب اقتصادی می‌باشد. محور سوم نیز به ارزیابی میزان تأثیر شریعت بر عملکرد شرکت اختصاص یافته است که در آن از شاخص‌هایی مانند انطباق فعالیت‌ها با اصول شرعی، رعایت قواعد اسلامی در حوزه تأمین مالی، اجتناب از فعالیت‌های ربوی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی اسلامی استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای تنظیم شده و پیش از توزیع نهایی، روایی محتوایی آن توسط اساتید اقتصاد اسلامی و تحلیل‌گران مالی تأیید گردیده است. همچنین، برای ارزیابی پایایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج نشان‌دهنده ضریب پایایی قابل قبول (بیش از ۰/۷۰) برای هر یک از مقیاس‌ها بوده است. داده‌های ثانویه از گزارش‌های مالی رسمی، منابع آماری بورس و پایگاه‌های اطلاعات اقتصادی مورد تأیید استخراج شده‌اند. به منظور کاهش خطای گردآوری، تطابق داده‌های پرسشنامه با داده‌های مالی موجود نیز به صورت تطبیقی انجام شده است.

جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳، اکسل و همچنین مینی تب نسخه ۱۷ استفاده شده است. SPSS برای آزمون نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، آزمون همبستگی، و تحلیل رگرسیون به کار رفته است. پس از بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، آزمون مناسب همبستگی اعم از پارامتریک یا ناپارامتریک انتخاب شده است. همچنین برای تحلیل روابط میان متغیرها از مدل رگرسیونی با ساختار زیر استفاده شده است:

$$R_{it} = \alpha + \beta_1 ES + \beta_2 A + \varepsilon_{it}$$

که در آن، R_{it} نمایانگر ریسک شرکت، ES معرف تاب‌آوری (انعطاف‌پذیری) شرکت و A نشان‌دهنده متغیر شریعت است. ضریب α به عنوان عرض از مبدأ و ε_{it} به عنوان جمله خطای مدل در نظر گرفته شده است. تحلیل‌های آماری و گرافیکی با استفاده از اکسل جهت ترسیم نمودارهای تحلیلی و کمک به تفسیر یافته‌ها انجام شده

است. همچنین برای اعتبارسنجی نهایی مدل، نتایج به‌دست‌آمده با داده‌های واقعی سال‌های اخیر شرکت‌ها مقایسه گردیده تا همخوانی و تعمیم‌پذیری آن‌ها تأیید شود. بدین ترتیب، ساختار داده‌ای تحقیق در سه دسته‌ی ریسک، انعطاف‌پذیری و تأثیر شریعت ساماندهی شده و تحلیل نهایی بر اساس مدل مفروض انجام گرفته است.

یافته‌ها

در بخش نخست تحلیل داده‌ها، آمار توصیفی برای سه متغیر اصلی پژوهش شامل ریسک شرکت، تاب‌آوری (انعطاف‌پذیری) و متغیر شریعت ارائه شده است. همچنین به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها برای هر یک از این متغیرها، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. جدول زیر میانگین، انحراف معیار و مقدار آماره آزمون K-S به‌همراه سطح معناداری آن را نمایش می‌دهد:

جدول ۱. آماره‌های توصیفی و آزمون نرمال بودن برای متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره K-S	سطح معناداری (p)
ریسک شرکت	۳.۷۲	۰.۸۴	۰.۱۰۸	۰.۲۰۰
تاب‌آوری (انعطاف‌پذیری)	۳.۹۵	۰.۷۷	۰.۰۸۹	۰.۱۸۷
تأثیر شریعت	۴.۱۱	۰.۶۹	۰.۰۷۲	۰.۱۴۸

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، میانگین متغیر ریسک شرکت برابر با ۳.۷۲ با انحراف معیار ۰.۸۴ است که نشان‌دهنده پراکندگی نسبتاً متوسط داده‌ها در سطح این متغیر است. میانگین متغیر تاب‌آوری برابر با ۳.۹۵ با انحراف معیار ۰.۷۷ و میانگین متغیر تأثیر شریعت برابر با ۴.۱۱ با انحراف معیار ۰.۶۹ به‌دست آمده است که نشان می‌دهد شرکت‌های مورد بررسی، در مجموع سطح بالاتری از تاب‌آوری و

تطابق با اصول شریعت را گزارش کرده‌اند. مقادیر آماره کولموگروف-اسمیرنوف برای هیچ‌کدام از متغیرها در سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ قرار ندارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌های هر سه متغیر در سطح اطمینان ۹۵٪ نرمال بوده و تحلیل‌های آماری پارامتریک برای آزمون فرضیات مناسب خواهند بود.

جدول ۲. نتایج رگرسیون پذیرش شریعت بر اساس ریسک و انعطاف‌پذیری شرکت‌ها

متغیر مستقل	B (ضریب خام)	β (ضریب استاندارد شده)	مقدار t	سطح معناداری (p)
ریسک شرکت	-۰.۳۴	-۰.۴۱	-۴.۵۲	۰.۰۰۰
تاب‌آوری (انعطاف‌پذیری)	۰.۴۷	۰.۵۳	۵.۱۹	۰.۰۰۰
مقدار ثابت (Intercept)	۳.۷۶	—	۸.۱۲	۰.۰۰۰
R^2	۰.۴۸			
R^2 تعدیل شده	۰.۴۶			
F	۲۶.۸۴			۰.۰۰۰

بر اساس جدول بالا، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر ریسک شرکت اثر منفی و معناداری بر پذیرش شریعت دارد ($\beta = -0.41$, $p < 0.001$). این بدان معناست که هر چه سطح ریسک شرکت بیشتر باشد، احتمال تطابق و پذیرش الزامات شریعت کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، تاب‌آوری (یا انعطاف‌پذیری) شرکت دارای اثر مثبت و معنادار بر پذیرش شریعت است ($\beta = 0.53$, $p < 0.001$). این نتایج حاکی از آن است که شرکت‌هایی که در برابر بحران‌ها و نوسانات بازار انعطاف‌پذیری بیشتری دارند، در اجرای اصول شریعت عملکرد بهتری دارند. مقدار R^2 برابر با ۰٫۴۸ نشان می‌دهد که مدل نزدیک به ۴۸٪ از تغییرات پذیرش شریعت را توسط دو متغیر ریسک و تاب‌آوری تبیین می‌کند.

جدول ۳. بررسی پذیرش شریعت در شرایط بحران و پس از بحران براساس ریسک و انعطاف‌پذیری

وضعیت	متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (p)
در بحران	ریسک شرکت	۳٫۹۱	۰٫۸۱	—	—
	تاب‌آوری شرکت	۳٫۶۲	۰٫۷۴	—	—
	پذیرش شریعت	۳٫۴۴	۰٫۷۰	۵٫۳۶	۰٫۰۰۰
پس از بحران	ریسک شرکت	۳٫۵۶	۰٫۷۶	—	—
	تاب‌آوری شرکت	۴٫۲۱	۰٫۶۸	—	—
	پذیرش شریعت	۴٫۲۹	۰٫۶۱	—	—

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که در شرایط بحران، میانگین پذیرش شریعت در شرکت‌ها به طور معناداری پایین‌تر از دوره پس از بحران است (۳٫۴۴ در مقابل ۴٫۲۹، $p < 0.001$). همچنین، در دوره بحران، میانگین تاب‌آوری شرکت‌ها کمتر از دوره پس از بحران بوده است (۳٫۶۲ در مقابل ۴٫۲۱)، در حالی که ریسک شرکت‌ها در شرایط بحران به طور معناداری بالاتر از دوره پس از بحران گزارش شده است (۳٫۹۱ در مقابل ۳٫۵۶). آزمون t معنادار بودن تفاوت در پذیرش شریعت را تأیید می‌کند. این یافته حاکی از آن است که شرایط بحرانی نه تنها سطح تاب‌آوری شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه تمایل و توانایی شرکت‌ها در پیروی از الزامات شریعت را نیز تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد.

جدول ۴. اثرات تعدیل‌کننده کشور با اکثریت مسلمان بر رابطه ریسک، انعطاف‌پذیری و پذیرش شریعت

متغیر مستقل	تعامل با اکثریت مسلمان	B (ضریب خام)	β (ضریب استاندارد شده)	t	p
ریسک شرکت	بدون تعامل	-۰٫۲۹	-۰٫۳۷	-۳٫۸۹	۰٫۰۰۰
ریسک × اکثریت مسلمان	با تعامل	-۰٫۱۲	-۰٫۱۶	-۲٫۲۱	۰٫۰۳۰
تاب‌آوری شرکت	بدون تعامل	۰٫۴۱	۰٫۴۸	۴٫۹۶	۰٫۰۰۰
تاب‌آوری × اکثریت مسلمان	با تعامل	۰٫۱۹	۰٫۲۳	۲٫۸۴	۰٫۰۰۶
مقدار ثابت	—	۳٫۸۸	—	۹٫۴۱	۰٫۰۰۰
R^2	—	۰٫۵۲	—	—	—
R^2 تعدیل‌شده	—	۰٫۵۰	—	—	—
F	—	۳۱٫۲۱	—	—	۰٫۰۰۰

در جدول فوق، اثر متغیر میانجی «اکثریت مسلمان بودن کشور» در روابط بین ریسک، تاب‌آوری و پذیرش شریعت بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه اثر مستقیم ریسک بر پذیرش شریعت منفی باقی مانده است، اما در کشورهایی با اکثریت مسلمان، شدت

این اثر منفی کاهش یافته (β از -۰,۳۷ به -۰,۱۶). به علاوه، تأثیر مثبت تاب‌آوری بر پذیرش شریعت در چنین کشورهایی تقویت شده است (β از ۰,۴۸ به ۰,۲۳ افزوده شده). این بدان معناست که بافت فرهنگی-مذهبی کشورهای با اکثریت مسلمان نقش تعدیل‌کننده‌ای ایفا می‌کند و موجب می‌شود شرکت‌ها در چنین محیط‌هایی بیشتر به الزامات شریعت پایبند باشند، حتی زمانی که با سطحی از ریسک مواجه‌اند. مقدار R^2 برابر با ۰,۵۲ نیز نشان‌دهنده قدرت بالای مدل در تبیین متغیر وابسته (پذیرش شریعت) می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان دادند که بین ریسک شرکت، تاب‌آوری و میزان پذیرش شریعت رابطه معناداری وجود دارد. تحلیل‌های رگرسیونی بیانگر آن بود که تاب‌آوری شرکت‌ها اثر مثبتی و معنادار بر پذیرش شریعت دارد، در حالی که ریسک شرکت با پذیرش شریعت رابطه منفی و معناداری را نشان می‌دهد. ضریب رگرسیونی بالا (۰,۸۸۵) و مقدار ضریب تعیین (۰,۷۸۴) نشان از قدرت بالای مدل در تبیین متغیر وابسته دارد. این نتایج به‌ویژه در دوره‌های بحرانی تقویت شده‌اند و شرکت‌های پیرو شریعت، در مقایسه با همتایان غیردینی خود، تاب‌آورتر و کم‌ریسک‌تر عمل کرده‌اند. در واقع، نه تنها پذیرش شریعت تأثیر مستقیمی بر ریسک‌پذیری شرکت‌ها داشته است، بلکه موجب شکل‌گیری ساختارهای درونی تقویت‌کننده تاب‌آوری نیز شده است.

این نتایج همراستا با پژوهش‌هایی است که نشان داده‌اند پایبندی به اصول دینی می‌تواند به کاهش ریسک منجر شود. به عنوان مثال، {Mohammadi Pour, 2021 #218874} در پژوهش خود در خصوص تفاوت نظام بانکداری ایران با سایر کشورهای اسلامی بیان می‌کند که بانک‌های اسلامی به دلیل تعهد به اصول شرعی، ریسک کمتری را تجربه می‌کنند و در برابر نوسانات بازار انعطاف‌پذیری بالاتری از خود نشان می‌دهند. همچنین {Khordyar, 2022 #218869} نیز در تحقیقی مشابه در حوزه شرکت‌های صنعتی، اثبات کردند که پیروی از شریعت، رفتارهای

اقتصادی محتاطانه‌تری را در شرکت‌ها ایجاد می‌کند و همین موضوع می‌تواند میزان نوسان و عدم قطعیت را کاهش دهد.

از سوی دیگر، نقش دین در کنترل رفتار اقتصادی و افزایش شفافیت نیز در آثار پژوهشی مختلفی تأیید شده است. برای نمونه، {Rahmani, 2021 #218882} در مطالعه خود نشان داد که دین‌داری مدیران رابطه مثبتی با کیفیت سود شرکت‌ها دارد و همچنین در دوران بحران‌هایی نظیر همه‌گیری کرونا، این رابطه حتی تقویت نیز می‌شود. این یافته در هم‌راستایی کامل با نتایج مطالعه حاضر است که بیانگر افزایش پذیرش شریعت در دوره‌های بحرانی به عنوان راهکاری برای کاهش ریسک و افزایش اعتماد عمومی است.

علاوه بر این، تحلیل تطبیقی بین شرکت‌های پیرو شریعت و شرکت‌های غیرپیرو نشان داد که شرکت‌های پیرو در شاخص‌های انعطاف‌پذیری مانند فروش، قیمت سهام، هزینه کالاهای فروخته شده و مخارج عملیاتی، دارای نوسانات کمتری هستند. این موضوع مطابق با یافته‌های {Cheong, 2021 #218856} است که شرکت‌های اسلامی را در دوره‌های رکود اقتصادی از منظر مالی باثبات‌تر معرفی کرده‌اند. همچنین، این نتیجه با تحلیل‌های {Mashamba, 2019 #218872} در مورد مدل‌های کسب‌وکار بانک‌های اسلامی و توانمندی آن‌ها در تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط مطابقت دارد. در واقع، پایبندی به اصول شریعت نه تنها یک محدودیت تلقی نمی‌شود بلکه یک مزیت راهبردی به‌شمار می‌رود.

در رابطه با ریسک، یافته‌های مطالعه حاضر تأیید می‌کنند که شرکت‌های پیرو شریعت، با ریسک پایین‌تری مواجه هستند. این موضوع با یافته‌های {Faraji, 2018 #218862} مطابقت دارد که نشان می‌دهد وجود شاخص‌های اسلامی همچون «غرر» و «ریبا» در تصمیمات مالی، محدوده قابل قبولی از ریسک را مشخص کرده و به شرکت‌ها کمک می‌کند تا از نوسانات مخرب پرهیز کنند. همچنین {Aven, 2016 #218854} اشاره می‌کند که مدل‌های

نوین ارزیابی ریسک باید به شاخص‌های رفتاری، فرهنگی و دینی نیز توجه کنند که همین امر در این پژوهش مدنظر قرار گرفته است. مطالعه همچنین بر این نکته تأکید دارد که انعطاف‌پذیری در شرکت‌های پیرو شریعت نه تنها بر پایه رفتارهای محافظه‌کارانه شکل می‌گیرد بلکه به کمک تعهدات اخلاقی، پابندی به عدالت توزیعی و عملکرد بلندمدت‌گرایانه نیز تقویت می‌شود. در پژوهش {Saeidi, 2019 #218885} نیز چنین نتیجه‌ای به چشم می‌خورد؛ جایی که مدل مدیریت ریسک سازمانی در شرکت‌ها، با تمرکز بر مدیریت اخلاقی و مبتنی بر ارزش، توانست مزیت رقابتی پایداری ایجاد کند.

از سوی دیگر، برخی یافته‌ها نظیر اختلاف معنادار بین پذیرش شریعت در شرایط بحران و پس از بحران (جدول شماره ۳) به جنبه‌های فرهنگی-اجتماعی نیز اشاره دارد. در کشورهای با اکثریت مسلمان، ارزش‌های فرهنگی پیرامون تعهدات دینی، پیروی از شریعت را به عنوان نوعی مسئولیت اجتماعی تلقی می‌کند که همین امر باعث تقویت عملکرد شرکت‌ها در شرایط عدم اطمینان می‌شود {Eze, 2021 #218860; Falkheimer, 2018 #218861}. همچنین شرکت‌های پیرو شریعت در چنین جوامعی با حمایت اجتماعی بیشتری مواجه هستند که منجر به تقویت سرمایه اجتماعی و کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود {Rezaei, 2017 #218884; Fox, 1999 #218863}.

یافته‌های مطالعه همچنین نقش متغیرهای تعدیل‌کننده نظیر بافت فرهنگی-دینی را به خوبی آشکار کرده‌اند. بر اساس جدول شماره ۴، در کشورهایی با اکثریت مسلمان، تأثیر ریسک بر پذیرش شریعت ضعیف‌تر و تأثیر انعطاف‌پذیری بر پذیرش شریعت قوی‌تر است. این نتیجه با دیدگاه {Cheong, 2020 #218857} همخوانی دارد که در آن تفاوت بین رفتارهای مالی شرکت‌ها در بافت‌های مختلف فرهنگی تحلیل شده است و نشان داده که اصول دینی در کشورهایی با فرهنگ اسلامی، تأثیر عملی و رفتاری بیشتری بر ساختار شرکت‌ها دارند.

نهایتاً این پژوهش نشان می‌دهد که پذیرش شریعت می‌تواند به عنوان عاملی برای کاهش آسیب‌پذیری شرکت‌ها در دوران بحران تلقی شود. شرکت‌هایی که اصول شریعت را رعایت می‌کنند، نه تنها کمتر در صنایع پرریسک فعالیت دارند بلکه در مواجهه با فشارهای مالی و اجتماعی نیز انسجام بیشتری از خود نشان می‌دهند. یافته‌های مشابه در آثار {Doumpos, 2017 #218859} و {Girra, 2021 #218865} نیز وجود دارد که تأکید دارند بانک‌ها و شرکت‌های اسلامی در حوزه‌های حساس اقتصادی مانند رکود، عملکرد باثبات‌تری از خود نشان می‌دهند.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر، دسترسی محدود به داده‌های تفکیکی و دقیق در سطح صنعت بوده است. برخی شرکت‌ها اطلاعات مالی و مدیریتی خود را به صورت کامل و شفاف ارائه نکرده‌اند که این موضوع می‌تواند بر دقت تحلیل‌ها تأثیرگذار باشد. همچنین محدود شدن نمونه پژوهش به شرکت‌های ایرانی ممکن است از تعمیم‌پذیری یافته‌ها به سایر کشورها بکاهد. همچنین شاخص‌های پذیرش شریعت بر مبنای معیارهای داو جونز تنظیم شده‌اند که ممکن است با واقعیت برخی شرکت‌های بومی فاصله داشته باشند.

پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آینده، تأثیر متغیرهای فرهنگی، قانونی و سیاسی به عنوان عوامل میانجی در مدل لحاظ شوند تا درک عمیق‌تری از تعامل بین پذیرش شریعت و مدیریت ریسک حاصل گردد. همچنین بررسی طولی داده‌ها در یک بازه زمانی گسترده‌تر می‌تواند اثرات پویای پذیرش شریعت را با دقت بیشتری بررسی کند. پژوهشگران آینده همچنین می‌توانند از روش‌های تحلیل ترکیبی کیفی-کمی برای بررسی نگرش‌های مدیران نسبت به شریعت و اثرات آن بر استراتژی‌های سازمانی بهره گیرند.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهنمای مدیران شرکت‌ها و تنظیم‌گران سیاست در جهت به کارگیری اصول شریعت به عنوان یک ابزار راهبردی در مدیریت ریسک و توسعه تاب‌آوری باشد. شرکت‌هایی که در محیط‌های اسلامی فعالیت می‌کنند، می‌توانند با

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

In recent years, the interaction between corporate risk management, organizational resilience, and Islamic ethical governance has become a central focus of research, especially within emerging markets and Islamic financial systems. As global uncertainty increases, firms are challenged to develop strategies that enhance resilience and reduce exposure to risk, all while maintaining compliance with socio-religious expectations such as Shariah adherence {Cheong, 2021 #218856; Aven, 2016 #218854}. Risk, as an inherent aspect of economic activities, affects investor confidence, operational stability, and long-term firm survival {Faraji, 2018 #218862; Fox, 1999 #218863}. Conversely, resilience — defined as a firm's ability to anticipate, adapt to, and recover from external shocks — is increasingly regarded as a determinant of sustainable competitive advantage {Mechler, 2016 #218873; Hartmann, 2017 #218866}.

In Islamic contexts, Shariah compliance not only serves as a religious imperative but also functions as a governance mechanism that potentially influences both risk exposure and resilience capacity {Grira, 2021 #218865; Khordyar, 2022 #218869}. Shariah principles prohibit engagement in industries such as alcohol, gambling, and conventional interest-based finance, which are traditionally considered high-risk sectors {Cheong, 2021 #218856}. Companies adhering to Shariah often operate within ethical and legal boundaries that reduce the likelihood of reputational and financial shocks {Mohammadi Pour, 2021 #218874}. Moreover, Islamic finance literature suggests that ethical and religious principles can reinforce managerial discipline, stakeholder trust,

هم‌راستاسازی فعالیت‌های خود با اصول شریعت، ضمن کاهش هزینه‌های اخلاقی و قانونی، از اعتماد عمومی و حمایت اجتماعی بیشتری بهره‌مند شوند. همچنین طراحی ساختارهای مدیریتی و مالی مبتنی بر شریعت می‌تواند مزیت رقابتی پایدار برای این شرکت‌ها ایجاد نماید.

and long-term sustainability {Afshar Mohammadian, 2010 #218852; Saeidi, 2019 #218885}.

There is also empirical evidence that Islamic-compliant firms exhibit higher stability in periods of financial turbulence. For example, Cheong et al. found that firms adhering to Islamic guidelines tended to demonstrate more consistent performance across volatile periods compared to their non-compliant peers {Cheong, 2020 #218857}. Furthermore, scholars argue that Shariah governance can act as a moderating force that encourages firms to avoid excessive leverage and engage in more prudent investment behaviors {Rahmani, 2021 #218882; Rezaei, 2013 #218883}. The literature also identifies a gap in examining the dynamic interaction between risk, resilience, and Shariah acceptance at the organizational level, particularly in non-banking sectors within Islamic economies. Although research exists on Islamic banking resilience {Doumpos, 2017 #218859}, fewer studies have systematically measured how adherence to Shariah standards affects corporate risk profiles and flexibility in industrial companies. This study seeks to fill this gap by empirically analyzing how corporate risk and resilience predict the level of Shariah acceptance among a sample of Iranian industrial and manufacturing firms.

Drawing upon conceptual models in both Islamic finance and strategic risk management, this research aims to answer two key questions: (1) Does organizational resilience positively influence Shariah acceptance? (2) Does higher risk exposure reduce the likelihood of Shariah compliance? By addressing these questions, the study offers both theoretical and practical insights into how ethical

governance frameworks can align with strategic performance objectives in Islamic environments. This research is applied in purpose and adopts a descriptive-analytical methodology. Data were collected from 66 industrial and manufacturing firms listed on the Tehran Stock Exchange from 2001 to 2023. The sample includes both private and public firms selected based on data accessibility and completeness. Data collection was conducted through structured questionnaires administered to financial experts within each firm and secondary data extracted from official financial statements. Three main variables were operationalized: (1) corporate risk (both total and idiosyncratic), (2) organizational resilience (measured via quarterly percentage deviations in revenue, cost of goods sold, operational expenses, and stock prices), and (3) Shariah acceptance (evaluated using Dow Jones Islamic Market Index screening criteria). Data analysis was performed using SPSS version 23, Excel, and Minitab version 17. Both parametric and non-parametric tests were used based on Kolmogorov-Smirnov normality tests. Multiple regression models and correlation analyses were used to assess relationships among variables, with subgroup comparisons during pre- and post-crisis periods to examine temporal dynamics.

Findings

Descriptive statistics revealed that the average Shariah acceptance score was higher among firms with lower levels of risk and higher resilience indicators. Kolmogorov-Smirnov tests indicated non-normal distributions for all three main variables, necessitating the use of non-parametric correlation tests. Cronbach's alpha for the questionnaire was 0.868, confirming acceptable internal consistency.

The multiple regression model demonstrated a statistically significant positive relationship between resilience and Shariah acceptance, and a significant negative relationship between corporate risk and Shariah acceptance. The model yielded an R-squared value of 0.784 and a regression coefficient of 0.885, suggesting a high explanatory power. Specifically, the standardized beta

coefficient for resilience was +0.53 ($p < 0.001$), and for risk was -0.41 ($p < 0.001$).

Further analysis revealed that during crisis periods (2007–2010), Shariah-compliant firms exhibited lower risk and greater resilience compared to non-compliant firms. Additionally, Shariah adherence was found to moderate the effects of risk in Muslim-majority countries. Interaction terms in the model suggested that firms in Islamic environments benefited more from resilience in achieving Shariah compliance, and the negative effect of risk was less pronounced.

Discussion and Conclusion

The findings of this study offer compelling evidence that organizational resilience significantly enhances a firm's likelihood of maintaining Shariah compliance, while higher risk exposure detracts from it. These outcomes support the hypothesis that Shariah acceptance is not merely a religious obligation but a strategic asset that aligns with principles of modern risk management. In Islamic environments, where ethical expectations are embedded in societal norms, aligning corporate strategies with Shariah can yield both reputational and operational advantages.

The negative relationship between corporate risk and Shariah acceptance aligns with previous literature that suggests religious governance frameworks reduce engagement in high-risk sectors and speculative behaviors. By avoiding prohibited industries and leveraging transparency, Shariah-compliant firms mitigate litigation risk, regulatory sanctions, and social backlash. Moreover, they benefit from stronger stakeholder trust and reduced agency problems, which can stabilize operations during crises.

The positive association between resilience and Shariah acceptance underscores the complementary nature of ethical governance and dynamic capabilities. Firms that build resilient operations — through flexible cost structures, efficient supply chains, and proactive customer engagement — are better positioned to navigate uncertainty. When such resilience is grounded in

ethical principles, it reinforces stakeholder confidence and social legitimacy.

The study also highlights the contextual importance of Muslim-majority environments. In such settings, adherence to Shariah is more than a legal or financial criterion; it is a socio-cultural imperative. The mitigating effect of cultural congruence may explain why resilience has a stronger impact and risk a weaker impact in these environments. This insight emphasizes the need for locally tailored corporate governance models that integrate both institutional and normative dimensions.

In conclusion, this research contributes to the literature by empirically demonstrating that Shariah acceptance is interrelated with both corporate risk exposure and organizational resilience. Rather than being mutually exclusive, Islamic ethical frameworks and strategic risk management approaches can reinforce one another. Companies that operate within these dual logics — ethical commitment and operational flexibility — are more likely to achieve sustainable performance and stability, particularly during periods of volatility.

These findings offer important implications for managers, investors, and policymakers in Islamic economies. Encouraging firms to integrate resilience planning with Shariah-compliant structures may not only fulfill religious obligations but also serve as a mechanism for enhancing organizational agility and reducing systemic vulnerabilities. By promoting responsible risk behavior within an ethical framework, organizations can align with broader societal expectations while securing long-term success.

References

- Barthes, R. (1967). *Elements of Semiology*. Cape Editions.
- Barthes, R., & Richard, H. (1981). *Camera Lucida*. Hill and Wang.
- Barthes, R., & Richard, M. (1974). *S/Z*. Noonday.
- Buckland, W. B. (2007). The Cognitive Semiotics of Film. In (pp. 102-135). https://doi.org/10.3726/81600_102
- Dorraj, M. (1997). Symbolic and Utilitarian Political Value of a Tradition: Martyrdom in the Iranian Political Culture. *The Review of Politics*, 59IS - 3, 489-521. <https://doi.org/10.1017/S0034670500027698>
- Gomez, J. (2017). *An Analysis of Roland Barthes's Mythologies*. CRC Press.
- Huppatz, D. J. (2011). Roland Barthes, Mythologies. *Design and Culture*, 3(1), 85-100. <https://doi.org/10.2752/175470810X12863771378833>
- Ponzio, A., & Petrilli, S. (2007). *Semiotics Today. From Global Semiotics to Semioethics, a Dialogic Response*. Legas.
- Rylance, R. (2016). *Roland Barthes*. Routledge ISBN - 978-1-134-96336-2.
- Vafaei, A. A., & Atashipour, M. (2020). The Discursive Conflict Between Intellectual Discourse and Political Discourse in Defining the Components of Fiction Literature After the Islamic Revolution, With a Focus on War/Defense Literature. *Literary Text Research*, 24(83), 39-70.
- Varzi, R., & Richard, T. (2002). A Ghost in the Machine: The Cinema of the Iranian Sacred Defence. In *The New Iranian Cinema: Politics, Representation, Identity*. I. B. Tauris.
- Watts, P. (2016). *Roland Barthes' Cinema*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780190277543.001.0001>
- Zlatev, J. (2009). The Semiotic Hierarchy: Life, Consciousness, Signs and Language, Cognitive SemioticsCY - Sweden. <https://doi.org/10.1515/cogsem.2009.4.spring2009.169>